

خبر

پرسشی از رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک
کودکان از چند سالگی باید وارد
«پیش دبستانی» شوند؟



حمیدرضا شیخ الاسلام، رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک در گفت‌وگو با ایسنا، درباره سن تعریف‌شده برای ورود به مقطع پیش دبستانی در سال جاری گفت: آغاز سال تحصیلی از ۳۱ شهریور لحاظ می‌شود، یعنی نوآموزانی که امسال وارد پیش دبستانی ۲ می‌شوند، پنج سالگی آن‌ها در ۳۱ شهریور امسال به پایان می‌رسد و می‌توانند در دوره پیش دبستانی ۲ (که همان ۶سالگی است) حضور یابند.

برای ورود به پایه اول، نوآموز تا اول مهر هر سال باید ۶ سال تمام داشته باشد.

شیخ الاسلام اظهار کرد: از بدو تولد تا پایان ۶سالگی به سه دوره شیرخواری (از بدو تولد تا پایان دو سالگی)، دوره نوپایی (یک سال) و دوره نوپاویگی (یک سال) تقسیم می‌شود.

وی با بیان اینکه قانون تا دوم مهر اجازه ثبت‌نام در پایه اول را داده است، افزود: اگر بیش از آن باشد، مثلاً دانش آموز در ۱۵ مهر ۶سال تمام شود باید در دوره پیش دبستانی ثبت نام کند، بنابراین «سن تقویمی» بسیار مهم است.

یک مسئول آموزش و پرورش بیان کرد
نحوه برگزاری امتحانات
در مقاطع مختلف تحصیلی



به گزارش مهر، عبدالرضا فولادوند، سرپرست مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش گفت: در مقطع ابتدایی، ارزشیابی‌های تحصیلی و تربیتی دانش آموزان همانند سال‌های گذشته انجام می‌شود، با این تفاوت که ارزشیابی پایه ششم امسال نیز مانند پنج پایه قبل به صورت تکوینی خواهد بود.

در دوره متوسطه اول و بخشی از متوسطه دوم، یعنی پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم، اختیار نحوه برگزاری آزمون‌ها به استان‌ها تفویض شده است.

فولادوند ادامه داد: در صورتی که شورای تأمین استان‌ها به این جمع‌بندی برسند که امکان برگزاری آزمون‌ها به صورت حضوری وجود دارد، اصل بر برگزاری حضوری امتحانات خواهد بود.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نتایج امتحانات نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم حدود ۶۰درصد از سوابق تحصیلی مؤثر در کنکور سراسری را تشکیل می‌دهد. بنابراین این آزمون‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. با توجه به شرایط موجود، امتحانات نهایی فعلاً به تعویق افتاده است و زمان دقیق برگزاری آن‌ها پس از عادی شدن شرایط اعلام خواهد شد.

وی تصریح کرد: در صورت اعلام رسمی آتش بس، عادی شدن وضعیت و ترک مخاصمه، آموزش و پرورش حدود ۱۵ روز پس از اعلام شرایط عادی، زمان برگزاری امتحانات نهایی را اعلام و مقدمات اجرای آن را فراهم خواهد کرد.

معاون بهداشت وزارت بهداشت خبر داد

غربالگری سلامت روان دانش آموزان
در سراسر کشور



علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت در تشریح اقدامات انجام‌شده در حوزه سلامت روان دانش آموزان با اشاره به شرایط بحرانی و پیامدهای روانی ناشی از آن به آن‌ها گفت: در حال حاضر ۱۸ مرکز سلامت روانی و اجتماعی جامعه با عنوان سراج در سراسر کشور فعال هستند و ۱۰ مرکز نیز در سطح کشور وجود دارد که دیروز ۱۰ مرکز جدید هم به بهره‌برداری رسید، همچنین تا پایان سال، هر هفته یک مرکز جدید افتتاح خواهد شد.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های این مراکز، رسیدگی به وضعیت دانش آموزانی است که در فرایند غربالگری، دارای علائم یا مشکلات احتمالی سلامت روان شناسایی می‌شوند. این افراد پس از شناسایی به مراکز سراج ارجاع داده می‌شوند تا به صورت کامل و جامع مورد ارزیابی قرار گیرند. خدمات این مراکز تنها محدود به مشاوره ساده نیست و ابعاد مختلفی از جمله مددکاری اجتماعی و سایر خدمات تخصصی نیز در آن ارائه می‌شود.

نقش موزه‌ها در پاسداری از میراث «امید» در حافظه اجتماعی چیست؟

یادآوری دیروز برای تاب‌آوری امروز



اجتماعی خواهد بود. در جهانی که اختلاف‌ها و شکاف‌ها روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود، موزه‌ها این ظرفیت را دارند که از مسیر فرهنگ، تاریخ و میراث مشترک، زمین‌گفت‌وگو و همدلی را فراهم کنند. موزه‌ها می‌توانند از زبان مفاخر هنری، علمی، مذهبی و فرهنگی سخن بگویند و نشان دهند کدام اندیشه‌ها، ارزش‌ها و مفاهیم توانسته‌اند از دل بحران‌های تاریخی عبور کنند و تا امروز ماندگار بمانند. آنچه در هنر، ادبیات، علم و میراث فرهنگی باقی مانده، در واقع تجربه‌هایی است که در گذر از بحران‌ها دوام آورده‌اند و همین ماندگاری می‌تواند امروز نیز الهام‌بخش جامعه باشد. در این میان، نقش موزه‌ها صرفاً ارائه پاسخ قطعی به بحران‌ها نیست. هر موزه باید بتواند میان داشته‌های خود و بحران‌های اجتماعی زمانه‌اش پیوند برقرار کند و از دل همین داشته‌ها، روایت‌هایی برای فهم بحران‌ها و مواجهه با آن‌ها استخراج کند. موزه‌ها لزوماً مرجع نهایی پاسخ‌گویی نیستند، اما می‌توانند به محلی برای طرح پرسش، گفت‌وگو و کمک به یافتن پاسخ‌ها تبدیل شوند. موزه‌ها این امکان را دارند که میراث و داشته‌های ارزشمند خود را در ارتباط با بحران‌های معاصر دوباره به یاد بیاورند، آن‌ها را در معرض دید و حتی در معرض نقد قرار دهند. همین فرایند نقد و بازخوانی می‌تواند نشان دهد جوامع در گذشته با چه تقابل‌ها، بحران‌ها، خسارت‌ها و فراموشی‌هایی مواجه بوده‌اند و در مقابل، چه ظرفیت‌ها و راه‌هایی توانسته عبور از بحران‌ها را ممکن، تقویت و تسهیل کند.

روشن نگه داشتن چراغ موزه‌ها در روزهای دشوار

دبیری‌نژاد اضافه می‌کند: موزه‌ها با کثرت و تنوع خود، شبکه‌ای گسترده ایجاد می‌کنند؛ شبکه‌ای که می‌تواند در هر کشور به بستری برای گفت‌وگو و ارتباط تبدیل شود. این ظرفیت تنها محدود به سطح ملی نیست، بلکه موزه‌ها در سطح جهانی نیز توانایی شکل‌دادن به شبکه‌ای از گفت‌وگو میان ملت‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع مختلف را دارند. موزه‌ها دروازه‌های گفت‌وگو و ارتباط هستند؛ فضاهایی که می‌توانند از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی عبور کنند و با کثرت هم‌قرار دادن آثار متعلق به کشورهای مختلف‌ها و فرهنگ‌های مختلف، میان آن‌ها پیوند برقرار کنند. روایت‌هایی که در موزه‌ها شکل می‌گیرد، این امکان را فراهم می‌کند که تفاوت‌ها نه به‌عنوان عامل جدایی، بلکه به‌عنوان بخشی از یک تجربه مشترک انسانی دیده شده و از همین مسیر، شکاف‌ها و فاصله‌ها ترمیم شوند. شاید گفت‌وگو، مهم‌ترین عامل در مقابله با گسست‌هایی باشد که اگر رها شوند، می‌توانند به تعارض‌ها و تقابل‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی منجر شوند. موزه‌ها این ظرفیت را دارند که زمینه چنین گفت‌وگویی را فراهم کنند؛ گفت‌وگویی که بر پایه شناخت، تأمل و احترام متقابل شکل می‌گیرد. در این میان، موزه‌ها می‌توانند در وهله نخست نقش ایجاد اتحاد و پیوند را در جوامع محلی ایفا کنند، سپس این ارتباط را در سطح ملی گسترش دهند و از طریق تعامل با مراجع فرهنگی و موزه‌های ملی، پیوندهای موضوعی و فرهنگی خود را تقویت کنند. در مرحله بعد نیز موزه‌ها این امکان را دارند که در سطح جهانی، از طریق شبکه‌های بین‌المللی موزه‌ها، داشته‌ها و تجربی‌های خود را به اشتراک بگذارند و زمینه گفت‌وگو، تبادل و تأمل مشترک را فراهم کنند.

وی معتقد است: موزه‌ها به‌عنوان نهادهای عمومی و اجتماعی، معمولاً فضاهایی امن برای جامعه محسوب می‌شوند؛ مکان‌هایی که شهروندان در آن احساس امنیت، تعلق و آرامش می‌کنند و همین ویژگی، نقش مهمی در کمک به جامعه و تقویت احساس جمعی شهروندان دارد. در روزگار بحران، چنین فضاهایی می‌توانند بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند؛ چرا که انسان‌ها پس از بحران‌ها بیش از هر چیز به گفت‌وگو، همدلی و بازسازی امید نیاز دارند. موزه‌ها از دیرباز محل گفت‌وگو و ارتباط بوده‌اند و می‌توانند این بستری برای شکل‌گیری همین گفت‌وگوهای اجتماعی باشند. شهروندان در مواجهه با بحران‌ها نیاز دارند تجربه‌های خود را بازگو کنند، گذشته را به یاد بیاورند و نسبت خود را با آینده دوباره تعریف کنند و موزه‌ها این ظرفیت را دارند که چنین فضایی را فراهم آورند. در کنار این، آثار موجود در موزه‌ها می‌توانند الهام‌بخش باشند. موزه‌ها با یادآوری تجربه‌های تاریخی و به اشتراک گذاشتن روایت‌هایی از عبور جوامع از بحران‌ها، این پیام را منتقل می‌کنند که انسان‌ها همواره توانسته‌اند از دشوارترین شرایط عبور کنند و دوباره به بازسازی زندگی و جامعه

و فناوری‌های نگهداری نیاز دارند. با تشدید بحران‌های اقتصادی، دسترسی به فناوری‌های نوین و تجهیزات تخصصی محدودتر می‌شود و همین مسئله مشکلات موزه‌ها را دوچندان می‌کند.

خطر فراموشی میراث فرهنگی در عصر بحران‌ها

او ادامه می‌دهد: اما شاید مهم‌تر از تاب‌آوری در حوزه حفاظت از آثار، مسئله تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی موزه‌ها باشد؛ موضوعی که امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. موزه‌ها اکنون در برابر بحران‌های اجتماعی، نه تنها در عملکرد، بلکه در مفهوم، ماهیت و حتی اعتبار آثار و روایت‌های خود با چالش مواجه‌اند و همین مسئله می‌تواند تهدیدی جدی برای آینده آن‌ها باشد. در شرایط امروز، اگر موزه‌ها نتوانند مفاهیم، روایت‌ها، کارکردها و ارزش‌های خود را با بازآفرینی و بازتعریف کنند، به تدریج کارکرد اجتماعی خود را از دست خواهند داد. البته این وضعیت در موزه‌های مختلف، شکل‌های متفاوتی دارد. برای مثال، موزه‌های کاخ با نوعی بحران مفهومی و تاریخی روبه‌رو هستند، موزه‌های مذهبی با چالش‌های دیگری مواجه‌اند و موزه‌های علمی نیز به دلیل تغییر مداوم مفاهیم و پیشرفت دانش، ناگزیر از بازتعریف مداوم خود هستند. حتی موزه‌های هنری نیز از این تحولات و تغییر نگاه‌های اجتماعی و فرهنگی مصون نمانده‌اند.

در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان صرفاً بر ارزش ذاتی آثار و حفظ فیزیکی آن‌ها تأکید کرد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است برخی موزه‌ها به‌طور مداوم تعطیل شده‌اند یا موزه‌هایی که بر اساس مفاهیم و سیاست‌های منطقی شکل گرفته بودند، با تغییر رویکردها و سیاست‌ها دچار تغییرات اساسی شده‌اند. این در حالی است که همواره از موزه به‌عنوان نهادی اجتماعی و دائمی یاد می‌شود؛ نهادی که باید فراتر از تحولات کوتاه‌مدت، تداوم و پایداری خود را حفظ کند. در این میان، مهم‌ترین خطری که می‌تواند موزه‌ها را تهدید کند، به خطر افتادن میراث موجود در آن‌هاست؛ میراثی که تنها در اشیا خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل روایت‌ها، معناها و ارزش‌های فرهنگی نیز هست. شاید مهم‌ترین نقش موزه‌ها در حوزه تاب‌آوری این باشد که بتوانند ارزش گنجینه‌ها و میراث موجود در خود را به صورت مستمر روزآمد، بازخوانی و بازتعریف کنند تا همچنان برای جامعه امروز معنا و کارکرد داشته باشند.

این نویسنده کتاب خاطرنشان می‌کند: در جهانی که هر روز بیش از گذشته با گسست‌ها و شکاف‌های عمیق روبه‌رو می‌شود؛ از بحران‌های اقتصادی و محیط‌زیستی گرفته تا بحران‌های فرهنگی و اجتماعی، این پرسش بیش از هر زمان دیگری مطرح است که چگونه می‌توان میان این پراکندگی‌ها و فاصله‌ها پیوند ایجاد کرد و به نوعی اتحاد و همبستگی رسید. در همین نقطه است که موزه‌ها می‌توانند نقشی فراتر از یک فضای نمایش آثار ایفا کنند.

اگر به خود موزه نگاه کنیم، با جهانی از اشیا پراکنده روبه‌رو هستیم؛ آثاری از دوره‌های مختلف تاریخی، جغرافیاهای متفاوت و موضوعات گوناگون. شاید در ظاهر، هر کدام از این اشیا بخشی جدا افتاده و گسسته باشند؛ قطعه‌ای از دوره سلجوقی، اثری از دوره تیموری یا شیء متعلق به فرهنگی دیگر. اما پرسش اصلی این است که این پایه‌های پراکنده چگونه در کنار هم قرار گرفته‌اند، چگونه حفظ شده‌اند و بر اساس چه ارزش و نگاهی اهمیت پیدا کرده‌اند.

در واقع، نوعی نگاه فرهنگی، علمی و مبتنی بر دانش به این عناصر ارزش داده و همین نگاه توانسته این تکه‌های پراکنده تاریخ را در کنار هم قرار دهد و به آن‌ها معنا ببخشد. شاید همین روایت، مهم‌ترین نقشی باشد که موزه‌ها امروز می‌توانند در جامعه ایفا کنند؛ اینکه به‌عنوان بخشی از حافظه اجتماعی، الهام‌بخش باشند و نقش یادآوری و تذکر را بر عهده بگیرند. موزه‌ها می‌توانند با یادآوری تجربی‌های تاریخی و بحران‌هایی که جوامع در گذشته از سر گذرانده‌اند، به ایجاد پیوند و مقابله با گسست‌های امروز کمک کنند. آن‌ها این توانایی را دارند که با راجع به ارزش‌های انسانی ماندگاری که در طول تاریخ تداوم یافته‌اند، ارزش‌هایی که در هنر، ادبیات و میراث فرهنگی بازتاب پیدا کرده‌اند، زمینه‌ای برای نزدیک‌تر شدن انسان‌ها و پرکردن این شکاف‌ها فراهم کنند.

او می‌گوید: موزه‌ها می‌توانند احترام به تنوع و کثرت را در جوامع گسترش دهند و تقویت کنند، چرا که شکل‌گیری این احترام، مانعی در برابر تشدید گسست‌ها و تقابل‌های

محدثه رضایی | در روزگاری که جهان صبح هر روز با بحرانی تازه بیدار می‌شود؛ از جنگ گرفته تا فرسایش محیط‌زیست و اضطراب‌های اقتصادی، انسان بیش از هر زمان دیگری به محلی نیاز دارد که بتواند در آن اندکی مکث کند و با یادآوری تاب‌آوری گذشته دیگران، بار دیگر چربی «امید» داشتن را به یاد آورد.

شاید به همین دلیل است که موزه‌ها امروز دیگر فقط ساختمان‌هایی برای نگهداری اشیا نیستند؛ آن‌ها به پناهگاه‌های حافظه جمعی تبدیل شده‌اند، به فضاهایی که می‌توان در سکوت راه‌روهایشان، صدای عبور تاریخ از دل بحران‌ها را شنید.

شعار امسال روز جهانی موزه‌ها نیز بر همین معنا تأکید دارد؛ اینکه موزه‌ها چگونه می‌توانند در جهانی گسسته، نقش پیونددهنده را ایفا کنند. جهانی که هر روز بیش از گذشته درگیر فاصله‌ها و شکاف‌ها می‌شود، حالا بیش از همیشه به گفت‌وگو، فهم مشترک و روایت‌هایی نیاز دارد که انسان‌ها را دوباره کنار هم بنشانند. در چنین شرایطی، مفهوم «تاب‌آوری» در موزه‌ها دیگر تنها به حفاظت از آثار تاریخی محدود نیست. تاب‌آوری امروز یعنی توان زنده نگه داشتن امید، حافظه و معنا؛ یعنی اینکه موزه بتواند در روزگار بحران، همچنان چراغ خود را روشن نگه دارد و به جامعه یادآوری کند فرهنگ، هنر و تاریخ هنوز می‌توانند راهی برای دوام آوردن و ادامه دادن باشند.

از حفاظت گنجینه‌ها تا حفظ امید اجتماعی



رضا دبیری‌نژاد، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران درباره شعار امسال موزه‌ها که اشاره دارد موزه‌ها چگونه می‌توانند جهانی گسسته را به هم پیوند بزنند و نوعی وحدت ایجاد کنند، به خبزنگار ما می‌گوید: این شعار در وهله نخست، بازتابی از وضعیت جهان امروز است؛ جهانی که روزبه‌روز گسسته‌تر می‌شود و شکاف‌های عمیق‌تری را تجربه می‌کند؛ شکاف‌هایی در حوزه‌های محیط‌زیستی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بسیاری از عرصه‌های دیگر. در چنین شرایطی، موزه‌ها به واسطه تنوع موضوعی خود، ظرفیت مهمی برای ایفای نقش در این وضعیت دارند. موزه‌ها می‌توانند در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی فعالیت می‌کنند و هر کدام می‌توانند متناسب با حوزه تخصصی خود، در مواجهه با بحران‌های همان حوزه نقش‌آفرینی کنند. این نقش تنها به حفظ و نمایش آثار محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد فهم، گفت‌وگو و پیوند میان بخش‌های پراکنده جهان معاصر منجر شود.

وی می‌افزاید: نخستین اقدامی که در این مسیر اهمیت دارد، این است که هر موزه نسبت به ظرفیت‌های موضوعی خود و بحران‌های مرتبط با حوزه فعالیتش ارزش و شناخت پیدا کند. موزه‌ها باید بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و دیگر مسائل مرتبط با حوزه خود را بشناسند و بتوانند میان داشته‌هایشان و این بحران‌ها ارتباط برقرار کنند. هر موزه مجموعه‌ای از اشیا، آثار و روایت‌های پراکنده را در اختیار دارد؛ آثاری که از دوره‌های مختلف تاریخی، مکاتب گوناگون و جغرافیاهای متفاوت گرد هم آمده و اکنون در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اهمیت موضوع در این است که موزه بتواند میان این ظرفیت تاریخی، فرهنگی، هنری و علمی با بحران‌های امروز نسبت برقرار کند و در پاید که هر یک از این عناصر چه ارزش و معنایی در خود دارند. در واقع، همین جهان پراکنده اشیا که امروز در کنار هم قرار گرفته‌اند، خود می‌تواند روایتی از پیوند، فهم مشترک و شکل‌گیری یک نگاه جامع باشد. شاید نخستین گام در این مسیر، رسیدن به نوعی اشراق و درک نسبت به جهان پیرامون باشد؛ درکی که باید جامع، فراتر و تا حد امکان فراخ از تخصص‌تاپ‌آوری و تلاش کند شناختی واقع‌بینانه از شرایط و موقعیت امروز جهان بدست آورد.

دبیری‌نژاد در پاسخ به این پرسش که مفهوم تاب‌آوری در موزه‌ها فقط به حفظ آثار مربوط می‌شود یا به حفظ امید، حافظه جمعی و هویت فرهنگی هم گسترش پیدا می‌کند، بیان می‌کند: مفهوم تاب‌آوری در موزه‌ها تنها به حفاظت و صیانت از آثار محدود نمی‌شود و تاب‌آوری در موزه‌ها دست‌کم در دو سطح قابل بررسی است: نخست تاب‌آوری خود موزه‌ها و دوم تاب‌آوری موزه‌ها می‌توانند در تقویت تاب‌آوری جامعه ایفا کنند.

در بخش نخست، مسئله این است که موزه‌ها در شرایط بحرانی چگونه می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند؛ شرایطی که در آن موزه‌ها با تعطیلی، کاهش مخاطب، افت درآمد و محدود شدن کارکردهای فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌شوند. افزون بر این، موزه‌ها امروز با تهدیدهای متعددی از جمله بحران‌های محیط‌زیستی، تهدیدهای امنیتی و فشارهای اقتصادی روبه‌رو هستند و پرسش اصلی این است که چگونه می‌توانند در برابر این فشارها دوام بیاورند. بخش دوم به نقش موزه‌ها در کمک به تاب‌آوری جامعه بازمی‌گردد؛ نقشی دوسویه که فراتر از حفاظت صرف از آثار تعریف می‌شود. اگرچه بخشی از تاب‌آوری به نگهداری و صیانت از گنجینه‌ها مربوط است، اما مسئله اصلی این است که موزه‌ها چگونه می‌توانند در شرایط بحران‌های اقتصادی، مالی و کمبود بودجه، همچنان فعال و اثرگذار باقی بمانند. این مسئله به‌ویژه درباره موزه‌های خصوصی و محلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در سال‌های اخیر، رشد موزه‌های خصوصی و محلی با چالش‌هایی همچون کاهش گردشگر، محدودیت منابع مالی و کمبود امکانات مواجه شده است. در چنین شرایطی، اگر موزه‌ها خاموش و کم‌فروغ شوند و ارتباط خود را با مخاطب از دست بدهند، به تدریج از دایره توجه عمومی خارج می‌شوند و مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار می‌گیرند. همین کم‌توجهی، خود زمینه‌ساز بحران‌های تازه‌ای در موزه‌ها خواهد شد؛ از فرسودگی و استهلاک گرفته تا کاهش کیفیت حفاظت و نگهداری آثار.

نیاید فراموش کرد بسیاری از موزه‌ها حتی در شرایط عادی نیز با کمبود امکانات و زیرساخت‌های حفاظتی روبه‌رو هستند و به‌طور مداوم به به‌روزرسانی تجهیزات